Archive of SID

تحلیل حقوقی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب سازمان تجارت جهانی

صادق ضیائی بیگدلی*
محمدمهدی اسدی**

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

چکیده

تشکیل موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای از نیمهٔ اول دههٔ ۲۰۰۰-۱۹۹۰ میلادی شدت گرفت. هدف از موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای تسهیل تجارت بین سرزمین‌های تشکیل‌دهنده و نه ایجاد مانع بر سرراه تجارت اعضای دیگر با قلمروهای مزبور می‌باشد. موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی با پیش‌بینی مقررات، استثنائاتی را برای اتخاذ اقدامات مخالف با اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت منطقه‌ای مقرر نموده است. باید توجه داشت که اتخاذ هرگونه اقدام بدون رعایت شرایط مقرر، برخلاف مقررات سازمان تجارت جهانی می‌باشد. تشکیل موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، مستلزم رعایت استانداردهایی برای تجارت داخلی و خارجی بین اعضای تشکیل‌دهنده است. همچنین درخصوص مفاهیم و اصطلاحات به‌کار رفته در مقررات موجود ابهاماتی وجود دارد که برخی از آنها در آرای هیئت‌های رسیدگی و رکن استیناف سازمان تجارت جهانی مورد تفسیر و ایضاح قرار گرفته‌اند.

کلیدواژگان:

تعهدات اطلاع رسانی اعضا، گَت ۱۹۹۴، گَتس، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی.

* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
s_ziaeebigdeli@sbu.ac.ir
** دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
Law_asadi@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، با پیش‌بینی مقررات، استثنائاتی را برای اتخاذ اقدامات مغایر با اصول و قواعد سازمان مورد توجه قرار داده است. از جملهٔ آنها، استثنائات تجارت منطقه‌ای می‌باشد که به موجب آن، اعضا مجاز به تشکیل یا الحاق به یک موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای[1] با کشورهای دیگر می‌باشند و می‌توانند با رعایت شرایط مقرر که به تفصیل بحث خواهد شد، در این زمینه اقدامات مخالف اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی را اتخاذ نمایند.

در گذشته موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در معنای واقعی خود، بیانگر تلاش کشورهای مجاور یا یک منطقه برای یکپارچگی اقتصادی بود. اما در سال‌های اخیر، اغلب کشورها یا گروهی از کشورها از مناطق مختلف به‌دنبال یکپارچگی اقتصادی هستند. این موافقت‌نامه‌ها، اغلب به عنوان موافقت‌نامهٔ تجارت ترجیحی[2] مورد اشاره قرار می‌گیرند. گزارش تجارت جهانی ۲۰۱۱ سازمان تجارت جهانی اعلام نمود که «نیمی از موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی، منطقه‌ای نیستند».[3] با اینکه این موافقت‌نامه‌ها به صورت رسمی به عنوان موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای شناخته می‌شوند،[4] اما استفاده از اصطلاح موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی در محافل علمی غالب است، زیرا موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی به طور فزاینده دیگر شامل کشورهای یک منطقه نیستند و در نتیجه استفاده از موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در این خصوص ممکن است گمراه‌کننده باشد و اصطلاح موافقت‌نامهٔ تجارت ترجیحی، موضوع بسیار مهمی را در سیستم تجارت چندجانبه برجسته می‌کند «اینکه این موافقت‌نامه‌ها ترجیحی هستند».[5] بنابراین با تأکید بر اینکه موافقت‌نامه‌های یکپارچگی اقتصادی، دیگر معنی و مفهوم سنتی- جغرافیایی را ندارند،[6] اما با توجه به اینکه به‌صورت رسمی، چنان‌که اشاره شد، از اصطلاح موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای استفاده می‌شود، در این مقاله نیز این اصطلاح به‌کار برده شده است.

1. Regional Trade Agreement (RTA).
2. Preferential Trade Agreement (PTA).
3. Word Trade Report 2011,p. 6.
4. See e.g . www.wto.org/english/tratop_e/rta_pta_e.htm.
5. Trebilcock , M, Howse, R, Eliason ,A, *The regulation of International Trade* ,Fourth edition, Published by Routledge, 2013, pp. 83-84.
6. Van den Bossche,P,Zdouc,W, *The law and Policy of World Trade Organization*, Fourth Edition, Cambridge University Press, 2017,p.1452.

www.SID.ir

Archive of SID

در ج. ا. ایران نیز تعداد زیادی موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی با کشورهای منطقه (مانند ترکیه، پاکستان و ازبکستان) و سایر کشورها (مانند بلاروس و بوسنی) منعقد گردیده است که تعداد زیادی از آنها در دست مذاکره (مانند هند و اندونزی) و یا در فرایند تصویب (مانند موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد با اتحادیهٔ اقتصادی اروآسیا) می‌باشند که در مقوله‌ای دیگر بدان خواهیم پرداخت. با وجود گسترش روزافزون این موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد منطقه‌ای که کارکرد سازمان تجارت جهانی را تضعیف نموده و ممکن است در آینده به طور کامل جایگزین سازمان گردند، متأسفانه در ادبیات حقوقی ایران به این مقوله و رویه‌های قضایی موجود پرداخته نشده است. با اینکه ایران هنوز به عضویت سازمان تجارت جهانی درنیامده است، بسیاری از کشورهای متعاهد ایران در موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبهٔ تجارت ترجیحی عضو این سازمان و ملزم به رعایت مقررات آن در این حوزه می‌باشند که از نظر تدوین مواضع مذاکراتی برای ایران حائز اهمیت فراوان است. لذا در مطالعهٔ حاضر، ضمن بررسی گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در قرن حاضر، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب موافقت‌نامهٔ تعرفه و تجارت (گَت) ۱۹۹۴، و موافقت‌نامهٔ عمومی تجارت خدمات (گَتس) بررسی و تفسیر خواهند شد. در پایان نیز به تعهدات اطلاع‌رسانی اعضا اشاره خواهد شد.

۱. گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای

تا آوریل ۲۰۱۹، از ۴۷۲ موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای در حال اجرا که به سازمان تجارت جهانی و گَت اعلام شده، ۲۴۳ موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد، ۲۰ اتحادیهٔ گمرکی هر دو در چارچوب ماده ۲۴ گَت ، ۵۱ مورد تحت شرط توانمندسازی و ۱۵۸ مورد نیز به‌موجب ماده ۵ گَتس ایجاد شده است.[1]

چندین روند در گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای قابل مشاهده است:[2] اول، تشکیل موافقت‌نامه‌ای تجاری منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه افزایش پیدا کرده است؛ دوم، تقریباً نیمی از موافقت‌نامه‌های تجاری، میان‌منطقه‌ای هستند و تعداد آنها در دو دههٔ گذشته دو

1. https://rtais.wto.org/ui/publicsummarytable.aspx.
2. Fiorentino,R,Crawford, J, Toqueboeuf, C, *Multilateralizing Regionalism*, Cambridge University Press,2009, pp. 28-29.

www.SID.ir

Archive of SID

برابر شده است؛ سوم، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای دوجانبه به طور فزاینده‌ای شایع و ۶۰ درصد از موافقت‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهند؛ چهارم، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای که تجارت کالا را پوشش می‌دهند، شایع‌تر از تجارت خدمات است.[۱] با این حال نسبت موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مربوط به هر دو تجارت کالا و خدمات در دهه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ بیش از دو برابر بوده است؛[۲] پنجم، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به طور فزاینده‌ای شامل یکپارچگی عمیق در میان اعضا هستند.[۳]

به طور سنتی، دسترسی به بازار آزاد از طریق تعرفه‌های پایین‌تر، یکی از دلایل گسترش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای یادشده است.[۴] دلیل عنوان‌شدهٔ دیگر، آن را پاسخ عملی به پیشرفت سخت و توقف آزادسازی تجارت از طریق سیستم تجارت چندجانبه می‌داند.[۵ ۶]

چهار چالش خاص در خصوص چندجانبه‌گرایی بیان شده است: تعداد زیاد مشارکت‌کنندگان، مشکل افزایش نظارت بر شکل‌های جدید و دقیق حمایت، کاهش تسلط نسبی ایالات متحده پیش از این به عنوان هژمونی که قادر به ایجاد همکاری چندجانبه بود و اختلاف‌های بین قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان.[۷] در سال‌های اخیر، برخی تعداد روزافزون موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای را مستقیماً به توقف مذاکرات دور دوحه مرتبط می‌دانند.[۸ ۹]

۱. تا آوریل ۲۰۱۹ حسب اعلام سازمان تجارت جهانی از، موافقت‌نامه‌های تجاری موجود در حال اجرای اعلام شده، ۱۴۳ موافقت‌نامه صرفاً تجارت کالا، ۱۵۰ موافقت‌نامه تجارت کالا و خدمات و کمتر از یک مورد صرفاً تجارت خدمات را شامل می‌شوند.

https://rtais.wto.org/ui/publicsummarytable.aspx.

2. Word Trade Report 2011,pp.54-62.
3. Ibid,p.110.
4. Trebilcock , op.cit, pp.87-88.
5. Matsushita,M, *WTO and East Asia: new Perspectives*, Cameron May Ltd, 2004, pp.497-514.
6. Cottier,T, Foltea,Ma, *Regional Trade Agreements and the WTO Legal System* , Oxford University Press,2006, pp.72.
7. Krugman,P, *New Dimensions in Regional Integration*, Cambridge University Press,1993, pp-74-75.
8. Trachtman, J, *International Trade: Regionalism*, Edward Elgar, 2007, p.160.
9. Bhagwati,J, "A Costly Pursuit of Free Trade ", *Financial Times*, 6 March 2001.

www.SID.ir

Archive of SID

موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، ممکن است هزینه‌هایی را بـر اعضـای آنهـا، کشـورهای غیرعضو و سیستم تجارت چندجانبه تحمیل نمایند که تحت عنوان ارزیابی تـأثیرات اقتصـادی و غیراقتصادی بررسی خواهد شد.

در خصوص تأثیرات اقتصادی، ضـرورت دارد سـه مسـئلهٔ اساسـی بـرای فهـم آثـار رفـاهی اقتصادی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد: ۱- موافقت‌نامـه‌هـای تجـاری منطقه‌ای باعث ایجاد تجارت یا انحـراف تجـارت مـی‌شـوند؟ ۲- آیـا گسـترش قواعـد تجـاری موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای موجب افزایش هزینه‌های دادوسـتد و بنـابراین مـانع و مخـل تجارت می شود؟ ۳- چگونه ایجاد موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای بر روی روند آتی آزادسازی تجارت چندجانبه اثر می‌گذارد؟[1] در خصوص پرسش اول، واینر به عنوان کسی که مفاهیم ایجـاد تجارت و انحراف تجارت را مطرح کرده است، تأکید نمود که اتحادیه‌های گمرکی، از نقطـه‌نظـر تجارت آزاد، نه لزوماً خوب و نه لزوماً بد هستند.[2] اینکه آیا اتحادیهٔ گمرکی به طور عمده موجـب ایجاد تجارت یا انحراف تجارت است، وابسته به شرایط خاص اتحادیهٔ گمرکی مورد نظر دارد.[3] در خصوص پرسش دوم، باید عنوان کرد که هر موافقت‌نامهٔ تجارت منطقه‌ای یک مجموعهٔ منحصر به فرد از قواعد تجارت است کـه واردکننـدگان و صـادرکنندگان بایـد مطـابق آن اقـدام نماینـد. بسیاری از مفسران استدلال می‌کنند که افزایش قواعد تجاری مختلف در سیستم تجاری جهانی هزینه‌های داد و ستد بازیگران تجاری را افزایش می‌دهـد و ایـن مـانع و مخـل تجـارت اسـت. باگواتی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای را به ظرف اسپاگتی تشبیه می‌کند که با اضـافه شـدن هر موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای، پیچیدگی قواعد تجاری بین‌المللی را در دو جنبهٔ عمده افزایش می‌دهد:[4] اول، زمانی‌که یک کشور داخل در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد متعدد می‌شود، یک کالا موضوع نرخ‌های تعرفه‌ای مختلف قرار می‌گیرد؛ دوم، تعرفه در مورد کـالای خـاص بسـتگی بـه منشأ محصول دارد.[5] دربارهٔ پرسش سوم، از منظر اقتصاد سیاسی بین‌المللی، یک دلیل برای اینکه

1. Trebilcock , op.cit, pp.87-88.
2. Viner, J, *The Customs Union Issue*, Carnegie Endowment for International Peace,1950, p.52. cited in Trebilcock , op.cit, pp.87-88.
3. Ibid,p.43.
4. Bhagwati,J, *Termites in the Trading System*, Oxford University Press, 2008, p.61. cited in Trebilcock , op.cit, pp.89-95.
5. Ibid.

www.SID.ir

Archive of SID

موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای می‌توانند حرکت به سمت آزادسازی چندجانبه را متوقف نمایند، انگیزهٔ پایین کشورهای دارای فرصت‌های موجود یا بالقوه در دسترسی به بازار ترجیحی است.[۱] باگواتی معتقد است که موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای چشم‌انداز آزادسازی تجارت چندجانبه را کاهش می‌دهند.[۳۲]

کشورها ممکن است علاوه بر دلایل اقتصادی، دلایل سیاسی برای یکپارچگی اقتصادی عمیق و آزادسازی تجارت با برخی کشورهای دیگر داشته باشند. یک نمونهٔ برجسته اتحادیهٔ اروپا است که از طریق یکپارچگی اقتصادی و آزادسازی تجارت در صدد ایجاد «اتحاد نزدیک‌تر» در بین مردم اروپا بودند تا از بازگشت جنگ جلوگیری نمایند. تأسیس مرکاسور، به دلیل حمایت از دموکراسی در این کشورها بود.[۵۴] گزارش ۲۰۱۵، آنکتاد اشاره به همین موضوع دارد.[۶]

یکی از نگرانی‌هایی که در خصوص موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای وجود دارد، این است که کشورهای قوی‌تر می‌توانند به راحتی شرایط موافقت‌نامه را تعیین نمایند.[۸۷]

نکتهٔ پایانی اینکه، سازمان تجارت جهانی ترویج توسعهٔ اقتصادی را از طریق موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای به رسمیت شناخته است. با وجود این، مقررات و رویه‌های مربوطه فاقد روشنی لازم است و تحقق عملی آن به ویژه از نظر ارزیابی و مطابقت این موافقت‌نامه‌ها با نظامات و مقررات مربوطه دشوار است و کمیتهٔ موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای نیز قادر نیست تا وظایف محولهٔ خود را در خصوص بررسی و نظارت بر اجرای این موافقت‌نامه‌ها به درستی انجام دهد.

به منظور رفع این کاستی، کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در نشست دوحه با انجام مذاکرات با هدف ایضاح، روشن‌سازی و بهبود در نظامات و مقررات و نیز رویه‌های موجود در

1. Bhagwati,J, *New Dimensions in Regional Integration*, Cambridge University Press, 1993, p.42. cited in Trebilcock , op.cit, pp.89-95.
2. Bhagwati , *Termites in the Trading System*,op .cit, p.87. cited in Trebilcock , op.cit, pp.89-95.
3. Trebilcock , op.cit, pp.89-95.
4. Hafez,Z, "Weak Discipline: Gatt Article XXIV and The Emerging WTO Jurisprudence on RTAs ", *North Dakota Law Review*,79, 2003, p.881.
5. Bilal, S, Szepesi,S, *Managing the challenges of WTO participation : 45 case studies*, Cambridge University Press,2005, pp.389-390.
6. UNCTAD,Key Statistics and Trends in Trade Policy 2015:Preferential Trade Agreements (UN,2015),3.
7. Word Trade Report 2011, p.96.
8. Narlikar,A, International Trade and Developing Countries: Bargaining Coalition in the GATT and WTO , Routledge,2003.

www.SID.ir

Archive of SID

سازمان تجارت جهانی در خصوص موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای موافقت کرد. بااین‌حال، مذاکرات به‌دلیل اختلاف بین اعضا در خصوص ایجاد تعادل بین چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی[۱] و نیز روشن کردن و بهبود قواعد اساسی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای موفق نبوده است.[۲]

۲. موافقت‌نامه‌های تجاری بزرگ منطقه‌ای اخیر

موافقت‌نامهٔ مشارکت فرا اقیانوس آرام (ترنس پسیفیک)،[۳] یک موافقت‌نامه بین دوازده کشور حاشیه اقیانوس آرام، به‌جز چین، بود که در ۴ فوریه ۲۰۱۶ در آکلند نیوزیلند بعد از هفت سال مذاکره نهایی شد. این موافقت‌نامه شامل ۳۰ فصل است که تجارت و موضوعات مربوط به تجارت را پوشش می‌دهد.[۴] به دلیل خروج آمریکا از آن، این موافقت‌نامه لازم‌الاجرا نشد. اما تمام امضاکنندگان اصلی موافقت‌نامه، به جز ایالات متحده آمریکا، در می ۲۰۱۷ توافق بر احیای آن نمودند. در ژانویه ۲۰۱۸ در خصوص موافقت‌نامهٔ جامع و پیشرو همکاری کشورهای حوزهٔ اقیانوس آرام[۵] توافق حاصل و مراسم امضای رسمی آن در تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۸ در شهر سانتیاگو شیلی برگزار شد. به جز ۲۲ مادهٔ ترنس پسیفیک که تعلیق شده است، بقیهٔ مفاد آن داخل در موافقت‌نامه جامع و پیشرو همکاری کشورهای حوزه اقیانوس آرام می‌باشند.

موافقت‌نامهٔ مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (آرسپ)[۶] یک موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد بین ده کشور عضو اتحادیهٔ کشورهای جنوب شرق آسیا (آ سه آن)[۷] و شش کشور آسیا- اقیانوس آرام که با آ سه آن، موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد دارند، می‌باشد. طبق گزارش‌ها، احتمال حصول توافق در آیندهٔ نزدیک بسیار زیاد می‌باشد.[۸] در سال ۲۰۱۷، پیش‌بینی شده است که جمعیت کشورهای

1. https://www.wto.org/english/news_e/spsp_e/spsp07_e.htm.
2. Ministerial Conference, *Doha Ministerial Declaration*, adopted on 14 November 2001, WT/MIN(01)/DEC/1, dated 20 November 2001, para. 29.
3. The Trans Pacific Partnership Agreement-TPP.
4. Capaldo , J, Global Development and Environment Institute, Working Paper No. 16–01 Jan .2016.
5. Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership (CPTPP).
6. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP).
7. The Association of Southeast Asian Nations (ASEAN).
8. US trade war and Japan push rise prospects for China- backed Asia free-trade deal, South China Morning Post (Sep 3, 2018), www.scmp.com.

www.SID.ir

Archive of SID

عضو موافقت‌نامه، ۳.۴ میلیارد نفر، با مجموع ۴۹.۵ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی که حدود ۳۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد.[۱]

موافقت‌نامهٔ مشارکت تجارت و سرمایه‌گذاری اقیانوس اطلس (ترنس آتلانتیک)،[۲] یک توافق تجاری در حال مذاکره بین اتحادیهٔ اروپا و ایالات متحده می‌باشد که هدف آن ارتقای تجارت و رشد اقتصادی چندجانبه است. به گفتهٔ آنو برادفورد،[۳] استاد حقوق در دانشکده حقوق کلمبیا، موافقت‌نامه قصد دارد یک سوم تجارت جهانی را آزاد و می‌تواند میلیون‌ها شغل جدید ایجاد کند.[۴]

نمونهٔ دیگر موافقت‌نامهٔ جامع اقتصادی و تجاری (سیتا)[۵] یا همان موافقت‌نامهٔ جامع اقتصادی و تجاری بین کانادا و اتحادیهٔ اروپا ست که در سال ۲۰۱۵ نهایی شد. در مقدمهٔ موافقت‌نامه، بر تعهد طرفین دربارهٔ توسعهٔ پایدار، حمایت از نیروی کار و محیط زیست و نیز پایبندی به امنیت بین‌المللی، حقوق بشر، دموکراسی و حکومت قانون تأکید شده است.[۶]

موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)،[۷] از بطن موافقت‌نامهٔ تجارت آزاد منعقده بین کانادا و ایالات متحده آمریکا در ۱۹۸۸ به وجود آمد و طرف‌های آن ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک هستند. مذاکرات برای اصلاح نفتا در سال ۲۰۱۷ آغاز شد. در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸، اعلام گردید که ایالات متحده، مکزیک و کانادا با موافقت نامهٔ ایالات متحده–مکزیک–کانادا [۸] موافقت کرده‌اند تا جایگزین نفتا شود. هرچند نفتا تا زمانی‌که یو اس ام سی توسط اعضای آن تصویب شود، باقی خواهد ماند.[۹]

1. RCEP: The next trade deal you need to know about, **cnbc.com.**
2. The Transatlantic Trade and Investment Partnership (TTIP).
3. Anu Bradford.
4. Bollyky, T, Bradford,A, Getting to Yes on Transatlantic Trade, Consistent U.S.-EU Rules Could Remake Global Commerce, www.foreignaffairs.com.
5. Comprehensive Economic and Trade Agreement (CETA).
6. http://ec.europa.eu/trade/policy/in-focus/ceta/.
7. THE North American Free Trade Agreement (NAFTA).
8. United States–Mexico–Canada Agreement (USMCA).
9 .NAFTA deal reached: Canada, U.S., Mexico reach trade agreement under new name, globalnews.ca.

www.SID.ir

Archive of SID

موافقت‌نامهٔ تجارت خدمات[1] نیز یک توافق تجاری منطقه‌ای در چارچوب گَتس می‌باشد که در حال حاضر در حال مذاکره بین ۲۳ عضو سازمان تجارت جهانی از جمله اتحادیه اروپاست. کشورهای مشارکت‌کننده در مذاکرات، ۷۰ درصد از تجارت جهانی خدمات را تشکیل می‌دهند.[2]

پس از این معرفی کوتاه، در ادامه، تحلیل حقوقی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب سازمان تجارت جهانی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳. موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب گَت ۱۹۹۴

به‌موجب استثنائات تجارت منطقه‌ای، اعضا مجاز به تشکیل یا الحاق به یک موافقت‌نامه تجاری منطقه‌ای با کشورها می‌باشند. یکی از این استثنائات موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب گَت ۱۹۹۴ است. پیش از ادامهٔ بحث خاطرنشان می‌سازد که به دلیل برخی ابهامات و اختلاف‌نظرها بین کشورهای عضو در خصوص مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۴۷، گَت ۱۹۹۴حاوی مادهٔ ۲۴ الحاقی و یک تفاهم‌نامه در خصوص تفسیر مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴ می‌باشد. تفاهم‌نامه در مقام تبیین و تفسیر نکات محل اختلاف در خصوص مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۴۷ است که در ادامه و در قسمت‌های مختلف به آن اشاره خواهد شد.

صدر بند ۵ مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴، صراحتاً تأکید دارد که مقررات این موافقت‌نامه مانع از تشکیل اتحادیهٔ گمرکی یا منطقهٔ تجارت آزاد یا تصویب موافقت‌نامهٔ موقت که لازمهٔ تشکیل اتحادیهٔ گمرکی یا منطقهٔ تجارت آزاد، طرف‌های متعاهد میان سرزمین‌های خود نخواهد شد.

تا به امروز، استثنای تجارت منطقه‌ای تحت مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴، برای توجیه اقدام مخالف گَت، چهار بار[3] در رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مورد بررسی قرار گرفته است. فارغ از نظر هیئت رسیدگی ایالات متحده- خط لوله (۲۰۰۲)، هماهنگی یک اتحادیهٔ گمرکی خاص، یک منطقهٔ تجارت آزاد یا یک توافق موقت با الزامات مندرج در مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴، هرگز توسط رکن استیناف اعلام نشده است.[4]

1. The Trade in Services Agreement (TISA).
2. Trade in Services Agreement (TiSA), http://ec.europa.eu/trade/policy/in-focus/tisa.
3. Turkey – Textiles (1999); Canada – Autos (2000); US – Line Pipe (2002); and Brazil – Retreaded Tyres (2007).
4. Panel Report, US-Line Pipe (2002) , para.7.144.

www.SID.ir

Archive of SID

۳.۱. اتحادیهٔ گمرکی

اتحادیهٔ گمرکی در شق «الف» بند ۸ مادهٔ ۲۴ به شرح زیر تعریف شده است:

«یک اتحادیهٔ گمرکی به معنای جانشین شدن یک قلمرو گمرکی به جای دو یا چند قلمرو گمرکی خواهد بود، به گونه‌ای که:

۱. عوارض و دیگر مقررات محدودکنندهٔ تجارت (مگر در صورت ضرورت، موارد مجاز طبق مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴و ۱۵ و۲۰) اساساً در مورد تمامی تجارت میان قلمروهای تشکیل‌دهندهٔ اتحادیهٔ گمرکی مورد نظر یا حداقل اساساً در مورد تمامی تجارت محصولاتی که مبدأشان همین قلمروهاست، لغو شده باشد؛

۲. ... هر یک از اعضای اتحادیهٔ موردنظر در تجارت با قلمروهای غیرعضو، عوارض و مقررات تجاری اساساً یکسانی را اعمال کند.»

بنا به رأی رکن استیناف در در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹) و پرونده‌های مشابه، برای تأسیس اتحادیهٔ گمرکی ضرورت دارد دو شرط به صورت کامل وجود داشته باشد: شرط اول اینکه اقدام اتخاذشده برای تشکیل یک اتحادیهٔ گمرکی باید مطابق با الزام‌های مندرج در شق «الف» بند ۸ و شق «الف» بند ۵ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴ باشد؛ شرط دوم، در صورتی‌که خوانده (ترکیه) اجازهٔ استفاده از اقدام اتخاذشده (در این قضیه اعمال محدودیت‌های مقداری بر منسوجات و پوشاک از هند) را نداشته باشد، این امر عملاً مانع از تشکیل اتحادیهٔ گمرکی مورد نظر خواهد شد.[1]

در خصوص اتحادیهٔ گمرکی، شق «الف» بند ۸ مادهٔ ۲۴، گَت ۱۹۹۴، یک استاندارد برای تجارت داخلی بین اعضای تشکیل‌دهنده و یک استاندارد برای تجارت اعضای تشکیل‌دهنده با کشورهای سوم ایجاد کرده است. با توجه به استاندارد اول، یعنی استاندارد تجارت داخلی بین اعضای تشکیل‌دهندهٔ اتحادیهٔ گمرکی، شق «الف» بند ۸ مادهٔ ۲۴، اشاره به الزام اعضای اتحادیهٔ گمرکی به حذف «عوارض و سایر مقررات محدودکنندهٔ تجارت»، «اساساً در مورد تمامی

1. Appellate Body Report,Turkey- Textiles (1999), para.58, and, Appellate Body Report, Argentina-Footwear (Ec) (2000),para.109.

www.SID.ir

Archive of SID

تجارت» دارد. رکن استیناف در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹) اشاره نمود که اعضای سازمان تجارت جهانی هرگز بر سر تفسیر اصطلاح «اساساً همه» در این مقرره به توافق نرسیده‌اند.[۱]

دو موضوع در خصوص «اساساً تمام تجارت» قابل طرح است: ۱- آیا این مفهوم صرفاً کمی (دربارهٔ نسبت تجارت که به موجب موافقت‌نامهٔ تجارت منطقه‌ای آزادسازی می‌شود) یا کیفی (با توجه به بخش‌های خاصی که تحت پوشش موافقت‌نامه قرار دارند) است؛ ۲- میزان آزادسازی، کمی و کیفی، مطابق با استاندارد «اساساً تمام تجارت» چه میزان است.[۲] اولین مسئله توسط رکن استیناف در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹) حل شد که با نظر هیئت رسیدگی موافق بود. اینکه معنای متداول اصطلاح «اساساً» در چارچوب شق «الف» بند ۸ به نظر می‌رسد به هر دو مؤلفه کیفی و کمی اشاره دارد.[۳]

اما موضوع دوم تا حد زیادی حل نشده است. رکن استیناف در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹) اظهار داشت که «اساساً تمام تجارت» به اعضا تا حدودی انعطاف‌پذیری می‌دهد، اما مشخص نیست که میزان این انعطاف‌پذیری چقدر است. کشورهای متعاهد گَت و اعضای سازمان تجارت جهانی تا به حال به توافق نهایی دربارهٔ تفسیر اصطلاح «اساساً» در این مقررات نرسیدند. با این همه، واضح است که «اساساً تمام تجارت» همانند تمام تجارت نیست و همچنین «اساساً تمام تجارت» چیزی بیشتر از صرفاً برخی از تجارت است.[۴]

با مراجعه به منابع حقوقی پیش از گَت، می‌توان به یک بینش دربارهٔ جنبهٔ کیفی «اساساً تمام تجارت» رسید. با توجه به چنین منابعی، دیدگاه غالب در میان مفسران حقوقی این است که جنبهٔ کیفی «اساساً تمام تجارت» مستلزم آن است که هیچ بخش عمده‌ای از اقتصاد نباید از آزادسازی تجارت داخلی مستثنا شود.[۵]

در خصوص جنبهٔ کمّی «اساساً تمام تجارت» موضوع اصلی این است که چه نسبت و مقداری از تجارت برای رعایت این الزام باید توسط اتحادیهٔ گمرکی یا منطقهٔ تجارت آزاد پوشش داده شود.[۶] در خصوص موافقت‌نامهٔ مشارکت اقتصادی بین اتحادیهٔ اروپا و کشورهای عضو

1 . Ibid, para.48.
2. Trebilcock, op.cit, p.104.
3. Appellate Body Report,Turkey-Textiles (1999), para.49.
4. Ibid, para.48.
5. Hafez,op.cit, p.892.
6. Cottier,op.cit, p.48.

www.SID.ir

Archive of SID

آسیایی، کارائیب و اقیانوسیه (ای سی پی)، ضمن بیان اینکه پیشنهادی دربارهٔ دامنه‌ای از ۵۱ تا ۹۹ درصد در خصوص تجارت کالا وجود دارد، اما بیشترین توافق در دامنهٔ ۸۰ تا ۹۰ درصد می‌باشد.[۱]

در خصوص قسمت اول، شق «الف»، بند ۸ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴، در پروندهٔ آرژانتین- کفش (۲۰۰۰) ، این پرسش مطرح شد که آیا این قسمت، آرژانتین را به عنوان عضو مرکاسور از اعمال اقدامات حفاظتی نسبت به اعضای دیگر مرکاسور منع می‌کند.[۲] رکن استیناف نتیجه گرفت که تحقیقات آرژانتین در این زمینه نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای استثنا کردن واردات از کشورهای عضو مرکاسور از اقدامات حفاظتی باشد.[۳]

اما در خصوص استاندارد دوم، یعنی استاندارد تجارت اعضای تشکیل‌دهنده با کشورهای ثالث، قسمت دوم، شق «الف»، بند ۸ ماده ۲۴، گَت ۱۹۹۴، اعضای تشکیل‌دهنده یک اتحادیهٔ گمرکی را ملزم به اعمال «اساساً یکسان» عوارض و مقررات تجاری با کشورهای غیرعضو می‌نماید. همان‌طورکه رکن استیناف در پروندهٔ ترکیه‌ـ منسوجات (۱۹۹۹) اشاره کرد، لازم نیست که هر یک از اعضای تشکیل‌دهندهٔ اتحادیهٔ گمرکی، همان عوارض و دیگر مقررات تجاری سایر اعضای تشکیل‌دهنده را در خصوص تجارت با کشورهای سوم اعمال کند. قسمت دوم، شق «الف»، بند ۸ ماده ۲۴، گَت ۱۹۹۴، آنچه الزام کرده، اساساً همان عوارض و مقررات دیگر تجاری است که باید اعمال شود.[۴] عبارت «اساساً یکسان» میزان مشخصی از انعطاف‌پذیری به اعضای تشکیل‌دهندهٔ اتحادیهٔ گمرکی در ایجاد یک سیاست تجاری مشترک ارائه می‌دهد. با این حال، رکن استیناف اظهار داشت که این انعطاف‌پذیری محدود است؛ چیزی نزدیک به تقریباً «همان» لازم است.[۵]

1. Lang,R, "Renegotiating Article XXIV-A Priority for African Engaged in North – South Trade Agreements", *African Trade Policy Center Work in Progress*,33, 2006, p.13.
2. Trachtman, op.cit, p.167.
3. Appellate Body, Argentina-Footwear (EC) (2000), para.113.see: Appellate Body, Us-Wheat Gluten (2001),para.96., Estrella ,G,Horlick, G, *Regional Trade Agreements and the WTO Legal System*,Oxford University Press, 2006,p.122, Appellate Body Report,US-Steel Safeguards (2003),paras.440-444.
4. Appellate Body Report,Turkey-Textiles (1999), para.49.
5. Ibid, para.50.

www.SID.ir

Archive of SID

با وجود این، اتحادیهٔ گمرکی طبق مادهٔ ۲۴، علاوه بر الزامات شق «الف» بند ۸ ماده ۲۴، باید الزام شق «الف» بند ۵ ماده ۲۴ را نیز رعایت نماید. این مقرره بیان می‌دارد: «در مورد اتحادیه گمرکی... عوارض و مقررات تجاری که با شکل‌گیری این اتحادیه ... در خصوص تجارت با طرف‌های متعاهد غیرعضو آن وضع می‌شوند، در مجموع از میزان کلی عوارض و مقررات تجاری مجری در سرزمین‌های تشکیل‌دهنده، در زمان قبل از تشکیل آن اتحادیه.... حسب مورد بیشتر یا محدودکننده‌تر نباشد...».

معنای دقیق این الزام که عوارض و سایر مقررات تجارت که بعد از تشکیل اتحادیهٔ گمرکی قابل‌اجراست، در مجموع نباید بیشتر یا محدودکننده‌تر از میزان کلی عوارض و مقررات تجاری حاکم قبل از تشکیل اتحادیهٔ گمرکی باشد، بحث‌برانگیز بوده است. پاراگراف دوم تفاهم‌نامه در تفسیر ماده ۲۴، به‌دنبال روشن نمودن این الزام است و بیان می‌دارد که «با توجه به عوارض، ارزیابی که طبق شق «الف» بند ۵ ماده ۲۴ در مورد شمول کلی عوارض مجری قبل و بعد از تشکیل یک اتحادیهٔ گمرکی به عمل می‌آید: باید.... بر اساس یک ارزیابی کلی متوسط موزون نرخ‌های تعرفه و حقوق گمرکی وصول شده مبتنی باشد.»

رکن استیناف در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹) بیان نمود: تحت گَت ۱۹۴۷، طرف‌های متعاهد گَت، نسبت به اینکه آیا در استفاده از معیار شق «الف» بند ۵ ماده ۲۴، نرخ تعرفهٔ تثبیت‌شده یا اعمال‌شده باید در نظر گرفته شود، دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. در پاراگراف دوم تفاهم‌نامه مادهٔ ۲۴ این اختلاف حل و فصل شد؛ چرا که به وضوح بیان می‌کند که نرخ تعرفهٔ اعمال‌شده باید مورد استفاده قرار گیرد.[1]

اصطلاح «سایر مقررات تجارت» در تفاهم‌نامهٔ ماده ۲۴ مورد توجه قرار نگرفته است و معنای آن به‌طور کلی مشخص نیست. با وجود این، هیئت رسیدگی در پروندهٔ ترکیه– منسوجات (۱۹۹۹) ، تفسیر گسترده‌ای را ارائه نمود که «سایر مقررات تجارت» می‌تواند شامل هرگونه مقرراتی باشد که بر تجارت اثر می‌گذارد، ضمناً اشاره شد که هیچ تعریفی از این مفهوم توسط اعضای سازمان تجارت جهانی توافق نشده و با توجه به «ماهیت پویای موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای، هیئت رسیدگی معتقد است که این یک مفهوم تکاملی است».[2] رکن استیناف پروندهٔ

1. Ibid, para.53.
2. Panel Report ,Turkey – Textiles, para. 9.120.

www.SID.ir

Archive of SID

ترکیه– منسوجات به این تفسیر از اصطلاح «سایر مقررات تجارت» اشاره نمی‌کند. پاراگراف دوم تفاهم‌نامه مادۀ ۲۴ بیان می‌دارد: «به‌منظور ارزیابی کلی شمول سایر مقـررات تجـاری... بررسـی یکایک اقدامات، مقررات، محصولات تحت پوشش و جریانات تجاری متأثر(از این مقررات) لازم می‌باشد.»

معیار برای ارزیابی اینکه آیا یک اتحادیۀ گمرکی خاص مطابق با الزامات شق «الـف» بنـد ۵ ماده ۲۴ می‌باشد، اساساً یک معیار اقتصادی است.[1]

اگر در تشکیل یک اتحادیۀ گمرکی یکی از اعضای تشکیل‌دهنده باید تعرفـۀ تثبیـت‌شـده را افزایش دهد (به این دلیل که تعرفۀ اتحادیۀ گمرکی بالاتر از تعرفۀ تثبیت‌شدۀ آن عضو که قبـل از تشکیل اتحادیۀ گمرکی اعمال شده است، می‌باشد)، بند ۶ مادۀ ۲۴، گَت ۱۹۹۴، مقرر مـی‌دارد که رویۀ مقرر در مادۀ ۲۸ گَت ۱۹۹۴ اجرا شود. این روش برای استرداد یا تغییر امتیازات تعرفه‌ای تثبیت‌شدۀ پیشین، به‌منظور دستیابی به تعدیل جبرانی[2] مرضی‌الطرفین است. در بنـد ۶ مـادۀ ۲۴، علاوه بر این، تصریح می‌کند که به هنگام تعیین تعدیل جبرانی، باید توجه مقتضی به جبرانی که قبلاً با اعمال کاهش در عوارض مشابه دیگر تشـکیل‌دهنـدگان اتحادیـه صـورت گرفتـه اسـت، مبذول گردد. اگر چنین کاهش‌هایی برای تأمین تعدیل جبرانی لازم کفایت نکند، اتحادیۀ گمرکی پیشنهاد جبران خواهد کرد. اگر توافقی برای تعدیل جبرانی حاصل نشود، اتحادیۀ گمرکـی مخیـر خواهد بود که امتیازات مزبور را تغییر دهد یا پس بگیرد. بنـابراین اعضـای متـأثر (از ایـن اقـدام) مخیر خواهند بود که امتیازات اساساً معادلی را طبق ماده ۲۸، گَت ۱۹۹۴ پس بگیرند.[3]

پس از بررسی نخستین شرط، شرط دوم مقرر می‌دارد که در صورت اجازه نداشتن اسـتفاده از اقدام اتخاذ شده، این امر مانع از تشکیل یک اتحادیـۀ گمرکـی خواهـد بـود. در پرونـدۀ ترکیـه– منسوجات (۱۹۹۹) ، اقدامات مورد بحث، محدودیت‌های کمّی بر روی منسوجات و پوشاک هنـد بود. ترکیه انکار نکرد که این محدودیت‌های کمّی با تعهـدات خـود تحـت مـواد ۱۱ و ۱۳، گَـت ۱۹۹۴ و ماده ۲.۴ موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک ناسازگار است. با این حال، طبق گفتۀ ترکیـه،

1. Appellate Body Report,Turkey-Textiles (1999), para.55.
2. Compensatory adjustment.

۳. پاراگراف پنجم، تفاهم‌نامه ماده ۲۴، گات ۱۹۹۴.

www.SID.ir

Archive of SID

این محدودیت‌های کمّی تحت ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴ توجیه می شود.[1] رکن استیناف استدلال ترکیه مبنی بر اینکه بدون اعمال محدودیت‌های کمّی مخالف گَت دربارهٔ منسوجات و پوشاک هند، این امر مانع از تشکیل اتحادیهٔ گمرکی با جامعهٔ اروپا می‌شود، رد و تصریح نمود: «همان‌گونه که در نظر هیئت رسیدگی مشاهده می‌شود، گزینه‌های دیگری برای ترکیه و جامعهٔ اروپا برای جلوگیری از انحراف احتمالی تجارت وجود دارد، در حالی‌که هم‌زمان با الزامات قسمت اول، شق «الف» بند ۸ نیز مطابقت دارد.»[2]

۳.۲. منطقهٔ تجارت آزاد

منطقهٔ تجارت آزاد، مطابق شق «ب» بند ۸ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴، به معنای گروهی متشکل از دو یا چند قلمرو گمرکی خواهد بود که در آن عوارض و دیگر مقررات محدودکنندهٔ تجارت (مگر در صورت ضرورت، موارد مجاز طبق مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۰) اساساً دربارهٔ تمامی تجارت میان قلمروهای تشکیل‌دهنده، در خصوص محصولاتی که مبدأشان همین قلمروهاست، لغو شده است.

در مقایسه با تعریف اتحادیهٔ گمرکی، تعریف «منطقهٔ تجارت آزاد» فقط یک استاندارد برای تجارت داخلی بین اعضای تشکیل‌دهنده را ایجاد می‌کند. در این خصوص هیچ استانداردی، در ارتباط با تجارت اعضای تشکیل‌دهنده با کشورهای ثالث وجود ندارد. استاندارد تجارت داخلی بین اعضای تشکیل‌دهندهٔ یک منطقهٔ تجارت آزاد، یعنی حذف عوارض و سایر مقررات محدودکننده تجارت، اساساً در خصوص تمامی تجارت بین اعضای تشکیل‌دهنده، همانند استاندارد تجارت داخلی بین اعضای تشکیل‌دهندهٔ اتحادیهٔ گمرکی است که به تفصیل مورد بحث قرار گرفت؛ لذا پرونده‌ها و بحث‌های مطرح شده در خصوص اتحادیهٔ گمرکی در ارتباط با منطقهٔ تجارت آزاد نیز قابل طرح است.

برای توجیه یک اقدام مخالف با گَت دو شرط باید تحقق پیدا کند: اولین شرط اینکه اقدام ارائه‌شده برای تشکیل یک منطقهٔ تجارت آزاد باید مطابق با الزام‌های مندرج در شق «ب» بند ۸ و شق «ب» بند ۵ ماده ۲۴ باشد. شرط دوم، اینکه در صورت اجازه نداشتن استفاده از اقدام

1. Trachtman, op.cit, pp.155-156.
2. Appellate Body Report,Turkey-Textiles (1999), para.62.

www.SID.ir

Archive of SID

اتخاذشده، این امر مانع تشکیل منطقهٔ تجارت آزاد خواهد شد. در حال حاضر هیچ پرونده‌ای در سازمان تجارت جهانی در این زمینه وجود ندارد.

منطقهٔ تجارت آزاد، موضوع مادهٔ ۲۴ گَت۱۹۹۴، باید علاوه بر الزامات شق «ب» بند ۸ ماده ۲۴، الزام شق «ب» بند ۵ ماده ۲۴ را نیز داشته باشد. این بند مقرر می‌دارد: «در مورد منطقه تجارت آزاد ... عوارض و مقررات تجاری دیگر مجری در هر یک از سرزمین‌های تشکیل‌دهندهٔ منطقه تجارت آزاد مورد نظر که در هنگام تشکیل آن منطقه تجارت آزاد... در مورد تجارت با طرف‌های متعاهد خارج از منطقهٔ مزبور یا غیرعضو در موافقت‌نامهٔ مزبور اعمال می‌شوند، از عوارض و دیگر مقررات تجاری مشابه مجری در همان سرزمین‌ها در زمان قبل از تشکیل منطقهٔ تجارت آزاد مزبور، حسب مورد، بیشتر یا محدودکننده‌تر نباشند.» تشخیص این الزام‌ها در مناطق تجارت آزاد از پیچیدگی و سختی کمتری نسبت به تشخیص رعایت این الزام‌ها (شق «الف» بند ۵ ماده ۲۴) در خصوص اتحادیه‌های گمرکی برخوردار است.[1]

۳.۳. موافقت‌نامه‌های موقت

این یک موضوع پذیرفته شده است که اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد نمی‌توانند در یک شب تأسیس شوند. اما نکتهٔ اساسی در خصوص موافقت‌نامه‌های موقت این است که در بند ۸ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴، جایی که اشاره به الزامات داخلی برای اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد دارد، هیچ اشاره‌ای به موافقت‌نامه‌های موقت نشده است. بنابراین، الزام «اساساً تمام تجارت» برای اتحادیه‌های گمرکی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد که در بند ۸ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴، آمده است، نسبت به موافقت‌نامه‌های موقت اعمال نمی‌شود.[2] با توجه به اینکه موافقت‌نامه‌های موقت به عنوان یک سازوکار انتقال روابط تجاری مبتنی بر رفتار دولت کامله الوداد به یکپارچگی اقتصادی در اتحادیهٔ گمرکی یا منطقه تجارت آزاد عمل می‌کند، منطقاً نمی‌توان از اعضای تشکیل‌دهنده انتظار داشت که الزام داخلی یک اتحادیهٔ گمرکی یا منطقهٔ تجارت آزاد را در طول مدت موافقت‌نامهٔ موقت رعایت نمایند. ضمن اینکه مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴، هیچ الزام داخلی جایگزینی را برای موافقت‌نامه موقت به جز شق «ج» بند ۵ بیان نداشته است

1. Van den Bossche,op.cit, p.1473.
2. Hafez,op.cit, p.886.

www.SID.ir

Archive of SID

که مقرر می‌دارد: هرگونه موافقت‌نامهٔ موقت مورد اشاره در شق‌های «الف» و «ب» باید شامل برنامه و جدولی برای تشکیل چنین اتحادیهٔ گمرکی یا مناطق تجارت آزاد موردنظر، ظرف مدتی معقول باشد. این تعهد مبهم برای اعضای یک موافقت‌نامهٔ موقت دامنهٔ وسیعی را برای تعیین میزان و سرعت یکپارچگی اقتصادی آنها فراهم می‌کند.[1] برخلاف الزام داخلی، موافقت‌نامه‌های موقت موضوع الزامات خارجی مشابه به آنچه برای اتحادیه‌های گمرکی ذکر شد، قرار می‌گیرند. شق «الف» و «ب» بند ۵ ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴ این موضوع را روشن می‌سازد. البته مشخص نیست آیا روشی که در تفاهم‌نامه تفسیر ماده ۲۴ گَت ۱۹۹۴ به عنوان معیار انطباق اتحادیه‌های گمرکی با الزامات خارجی مندرج در شق «الف» بند ۵ آمده است، به همان اندازه می‌بایست در ارتباط با موافقت‌نامهٔ موقت که قرار است به اتحادیهٔ گمرکی بینجامد، اعمال شود. در دکترین حقوقی فرض شده است که این چنین خواهد بود.[2]

الزام مبهم تشکیل اتحادیهٔ گمرکی یا منطقهٔ تجارت آزاد ظرف مدت معقول، تحت گَت ۱۹۴۷ کاملاً بحث‌برانگیز بود. تفاهم‌نامه ۱۹۹۴دربارهٔ ماده ۲۴ مقرر می‌دارد که به استثنای شرایط استثنایی، مدت زمان معقول نباید بیش از ده سال باشد.[3] این پرسش هنوز باقی مانده است که آیا موافقت‌نامه‌های موقت فعلی واقعاً منجر به تشکیل یک منطقهٔ تجارت آزاد یا اتحادیهٔ گمرکی در این دورهٔ زمانی ده ساله خواهد شد.

۳.۴. رفتار ویژه و متفاوت با اعضای کشورهای در حال توسعه

مطابق تصمیم اعضای گَت در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹ دربارهٔ رفتار ویژه و مطلوب‌تر، به منظور مشارکت کامل و متقابل کشورهای در حال توسعه که تحت عنوان «شرط توانمندسازی» شناخته می‌شود،[4] در قسمت مربوط بیان شده است:

۱. علی‌رغم مفاد مادهٔ اول موافقت‌نامهٔ عمومی، (اعضا) ممکن است رفتار متفاوت و مطلوب‌تر را به کشورهای در حال توسعه بدون اینکه ملزم به اعطای آن به سایر (اعضا) باشند، اعطا نمایند.

۲. مفاد پاراگرف اول به موارد زیر اعمال می‌شود:

1. Trebilcock , op.cit, p.112.
2. Hafez,op.cit, p.895.
۳. پاراگراف سوم، تفاهم‌نامه ماده ۲۴، گات ۱۹۹۴.
4. On the Enabling Clause of the GATT 1994.

www.SID.ir

Archive of SID

[...]

ج) موافقت‌نامه‌های جهانی یا منطقه‌ای میان کشورهای کمتر توسعه‌یافته به‌منظور کاهش متقابل یا حذف تعرفه‌ها و مطابق معیارها یا شرایطی که ممکن است توسط کنفرانس وزیران تعیین شده باشد، برای کاهش متقابل یا حذف اقدامات غیرتعرفه‌ای بر محصولات وارد شده از یکدیگر.[1]

شرط توانمندسازی در حال حاضر بخشی از گَت ۱۹۹۴ است.[2] این شرط اجازهٔ ایجاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی میان اعضای کشورهای در حال توسعه با معافیت از تعهد اصل رفتار دولت کامله الوداد مقرر در ماده ۱ گَت ۱۹۹۴ را می‌دهد. پاراگرف سوم شرط توانمندسازی، صرفا مقرر می‌دارد که:

هر رفتار متفاوت‌تر و مطلوب‌تر تحت این بند انجام شود:

الف) باید به‌منظور تسهیل و ترویج تجارت کشورهای در حال توسعه و نه ایجاد موانع و یا ایجاد مشکلات ناخوشایند برای تجارت هر یک از اعضای دیگر باشد.

۴. موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای در چارچوب گَتس

ماده ۵ گَتس تحت عنوان «یکپارچگی اقتصادی» برای تجارت خدمات است که در این قسمت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. تا به امروز، استثنای تجارت منطقه‌ای تحت مادهٔ ۵ گَتس، فقط یک بار در رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مورد بررسی قرار گرفته[3] و انطباق آن با الزامات مندرج در مادهٔ ۵ گَتس هرگز توسط رکن استیناف و هیئت رسیدگی اعلام نشده است.

۴.۱. موافقت‌نامه‌های یکپارچگی اقتصادی

از بند ۱ ماده ۵ گَتس استنتاج می‌شود که یک اقدام مخالف با گَتس می‌تواند تحت ماده ۵ توجیه شود، اگر: ۱- اقدام اتخاذ شده به عنوان بخشی از موافقت‌نامهٔ آزادسازی تجارت خدمات

1 . See BISD 26S/203.
2 . Paragraph 1(b)(iv) of the GATT 1994.
3. Canada-Autos (2000).

www.SID.ir

Archive of SID

مطابق با تمام الزامات تعیین‌شده در شق «الف» بند ۱ ماده ۵ (الزام پوشش بخشی قابل توجهی)، شق «ب» بند ۱ ماده ۵ (الزام اساساً همه تبعیض) و بند ۴ ماده ۵ (الزام سطح موانع تجارت) باشد؛ ۲- اگر اجازهٔ استفاده از اقدام داده نشود، این امر مانع اعضای سازمان تجارت جهانی برای ورود به چنین توافقی برای آزادسازی تجارت خدمات خواهد بود.[۱] این قسمت عمدتاً مربوط به بحث دربارهٔ الزاماتی است که در یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی (مطابق شق «الف» بند ۱ ماده ۵، شق «ب» بند ۱ ماده ۵ و بند ۴ ماده ۵، گَتس) باید رعایت شود.

طبق شق «الف» بند ۱ ماده ۵، یک توافق‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی باید «پوشش‌بخشی قابل توجهی» از تجارت خدمات در میان طرفین توافق‌نامه داشته باشد. پانوشت این شق بیان می‌کند که «پوشش‌بخشی قابل توجهی» باید بر حسب تعداد بخش‌ها، حجم تجارت متأثر از موافقت‌نامه و شیوه‌های عرضه، تشخیص داده شود.» همچنین پانوشت بیان می‌کند که یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی نباید از پیش، هیچ‌یک از چهار شیوهٔ عرضه را مستثنا نماید. به طور خاص، هیچ توافق‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی نباید از پیش سرمایه‌گذاری یا حرکت نیروی کار را در مفهوم شیوهٔ سه و چهار مستثنا کند. اعضا دربارهٔ اینکه آیا یک یا چند بخش خدمات را می‌توان از یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی استثنا کرد، توافق نداشتند، اما استفاده از عبارت «تعداد بخش‌ها« در پانوشت شق «الف» بند ۱ به نظر می‌رسد بیانگر آن است که نباید همه بخش‌ها تحت پوشش یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی قرار داشته باشند تا بتوان به الزام «پوشش‌بخشی قابل توجهی» دست یافت. بااین‌حال، روشن است که تعداد استثنا باید محدود باشد. هیئت رسیدگی در این خصوص در پروندهٔ کانادا – اتومبیل (۲۰۰۰) اعلام کرد: هدف مادهٔ ۵ (گَتس) اجازه دادن به آزادسازی جاه‌طلبانه در سطح منطقه‌ای است. اما درعین‌حال، از تضعیف تعهد رفتار دولت کامله الوداد با مشارکت در ترتیبات ترجیحی جزئی حفاظت می‌نماید.[۲]

شق «ب» بند ۱مادهٔ ۵ گَتس، الزام «عدم وجود یا حذف اساسی همهٔ تبعیضات» در یک موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی را مقرر می‌دارد. مطابق آن، گَتس عدم وجود یا حذف «همه تبعیضات» را الزامی نکرده است، بلکه عدم وجود یا حذف «اساسی همه تبعیضات» را الزامی می‌داند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چه میزان اقدامات تبعیض‌آمیز باید در یک

۱. مقدمه بند ۱ ماده ۵ گَتس.

2. Panel Report,Canada-Autos (2000),Para.10.271.

www.SID.ir

Archive of SID

موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی وجود داشته باشد. هرچند محدودهٔ چنین اجازه‌ای برای اقدام تبعیض‌آمیز، توسط فهرست استثناها در شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵، گَتس مشخص شده است (این فهرست به صراحت شامل استثنائات مجاز در مواد ۱۱، ۱۲، ۱۴و ۱۴ مکرر گَتس است)، مشخص نیست که آیا این فهرست جامع است یا خیر. دامنهٔ اقدامات تبعیض‌آمیز مجاز تحت تأثیر معنی عبارت «و / یا» در شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵ که مفاد (i) و (ii) را پیوند داده است، قرار دارد. بعضی از اعضا در کمیتهٔ موافقت‌نامه‌های تجاری سازمان ابراز نموده‌اند که «یا» اجازه می‌دهد که طرفین یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی بین شرط (i) و (ii) یکی را انتخاب کنند. بنابراین طبق نظر این گروه، یک عضو می‌تواند انتخاب کند که اقدامات تبعیض موجود را حذف نماید یا تنها از افزودن اقدامات تبعیضی جدید یا از اقدامات تبعیض‌آمیزتر فعلی، صرف‌نظر از اینکه مجبور به حذف اقدامات موجود باشد، خودداری نماید. سایر اعضا بر خلاف این نظر استدلال کرده‌اند که در بررسی هدف شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵، در ارتباط با «اساساً همه تبعیض»، مناسب این است که عبارت «و / یا» را به گونه‌ای تفسیر کند که هر دو (i) و (ii) قابل اجرا باشد. بنابراین طبق آن نظر، استدلال می‌شود که پاراگراف‌های (i) و (ii) گزینه‌هایی هستند که بر اساس شرایط بخش خدمات مورد بررسی، تشخیص داده می‌شوند که کدام مناسب است، نه به عنوان جایگزین‌هایی که آزادانه توسط طرفین موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی انتخاب شوند.[1]

طبق رأی هیئت رسیدگی در پروندهٔ کانادا– اتومبیل (۲۰۰۰)، با توجه به الزام شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵ اگر چه الزام شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵، عدم تبعیض را در مفهوم مادهٔ ۱۷ (رفتار ملی) بیان کرده است، به نظر می‌رسد با یک‌بار تحقق، عدم تبعیض بین همهٔ تأمین‌کنندگان خدمات طرف‌های دیگر موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی تضمین می‌شود. از این منظر هدف این مقرره حذف همهٔ تبعیض در میان خدمات و تأمین‌کنندگان خدمات طرفین یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی، از جمله تبعیض میان تأمین‌کنندگان طرف‌های دیگر یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی

1. Committee on Regional Trade Agreements, Examination of the North American Free Trade Agreement,Note on the Meeting of 24 February 1997, WT/REG4/M/4, dated 16 April 1997,para.19.

www.SID.ir

Archive of SID

اقتصادی است.[1] مطابق نظر هیئت رسیدگی تعهد مقرر در شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵ گَتس همچنین دارای بعد رفتار دولت کامله الوداد است.[2]

مفهوم «یک چارچوب زمانی معقول» در شق «ب» بند ۱ مادهٔ ۵ گَتس روشن و تعریف نشده است. بر اساس شق «ج» بند ۵ مادهٔ ۲۴ گَت ۱۹۹۴، و پاراگراف سوم تفاهم‌نامه مادهٔ ۲۴ دربارهٔ مفهوم مشابه «ظرف مدت معقول»، منطقی است که فرض شود در تعریف «چارچوب زمانی معقول»، شق «ب»، بند ۱ مادهٔ ۵ گَتس، محدودیت ده‌ساله به‌عنوان یک نقطهٔ شروع کلی مورد استفاده قرار گیرد.

مطابق الزام بند ۴ مادهٔ ۵ گَتس یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی به منظور تسهیل تجارت بین طرف‌های موافقت‌نامهٔ مزبور است و دربارهٔ هیچ عضوی که طرف موافقت‌نامه مزبور نباشد، سطح کلی موانع موجود فراراه تجارت خدمات در بخش‌ها یا زیربخش‌ها را در قیاس با سطحی که قبل از چنین موافقت‌نامه‌ای اعمال می‌شده است، افزایش نخواهد داد. عدم وجود اطلاعات دقیق در خصوص تجارت خدمات و تفاوت در سازوکارهای قانونی بین اعضا، ارزیابی سطح موانع پیش از ایجاد یک موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی را دشوار می‌کند.[3]

۴.۲. موافقت‌نامه‌های یکپارچگی بازارهای کار

مادهٔ ۵ مکررگَتس تحت عنوان «موافقت‌نامه‌های یکپارچگی بازارهای کار»، شکل خاصی از موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی است که یکپارچگی کامل بازار کار بین (دو طرف) یا طرفین چنین موافقت‌نامه‌ای را برقرار می‌کند. چنین موافقت‌نامه‌هایی به اتباع طرفین اجازهٔ دسترسی آزاد به بازار کار یکدیگر را می‌دهد. معمولاً این موافقت‌نامه‌ها شامل تدابیری در خصوص شرایط پرداخت، سایر شرایط اشتغال و مزایای اجتماعی می‌شود. مادهٔ ۵ مکرر مقرر می‌دارد که گَتس نباید مانع عضویت عضو سازمان تجارت جهانی در چنین موافقت‌نامه‌ای شود، مشروط بر اینکه چنین موافقت‌نامه‌ای ۱- اتباع طرف‌های موافقت‌نامهٔ مزبور را از الزامات مربوط به اقامت و مجوزهای کار معاف دارد؛ ۲- به اطلاع شورای تجارت خدمات برسد.

1. Panel Report,Canada-Autos (2000),Para.10.270.
2. Ibid.10.270.
3. Van den Bossche,op.cit, p.1488.

www.SID.ir

Archive of SID

۴.۳. رفتار ویژه و متفاوت با اعضای کشورهای عضو در حال توسعه

در مواردی که کشورهای در حال توسعه طرف موافقت‌نامه‌های یکپارچگی اقتصادی هستند، شق «الف» بند ۳ مادهٔ ۵ گَتس، انعطافی را در خصوص شرایط مقرر در بند ۱ مادهٔ ۵ که پیش‌تر بحث شد، مقرر داشته است. این انعطاف با توجه به سطح توسعهٔ کشورهای ذی‌ربط، اعم از کلی یا در بخش‌ها و زیربخش‌هایی خاص اعطا می‌شود. شق «ب» بند ۳ مادهٔ ۵ گَتس بیان می‌دارد: در خصوص موافقت‌نامهٔ یکپارچگی اقتصادی که فقط دربرگیرندهٔ کشورهای در حال توسعه باشد، ممکن است رفتار مطلوب ری در قبال اشخاص حقوقی تحت کنترل یا متعلق به اشخاص حقیقی کشورهای طرف چنین موافقت‌نامه‌ای اعطا شود.

۵. تعهدات اطلاع‌رسانی اعضا و چارچوب سازمانی سازمان تجارت جهانی برای بررسی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای

در سازمان تجارت جهانی برای اطمینان از هماهنگی، موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مورد بازنگری قرار می‌گیرند. شق «الف» بند ۷ مادهٔ ۲۴ گَت و شق «الف» بند ۷ مادهٔ ۵ گَتس به الزام اعضای سازمان تجارت جهانی به اطلاع فوری مشارکتشان در موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مرتبط با تجارت کالا و تجارت خدمات اشاره می‌کند. علاوه بر این، شق «ب» پاراگراف چهارم شرط توانمندسازی، اشاره به اطلاع‌رسانی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه دارد.[1]

در حالی که مذاکرات دور دوحه دربارهٔ روشن کردن و بهبود قواعد اساسی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای[2] موفق نبوده است، اعضای سازمان تجارت جهانی در دسامبر ۲۰۰۶ موفق به توافق بر سازوکار شفافیت موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای[3] بر مبنای موقت شدند.[4] این فرایند، تعهدات اطلاع‌رسانی اعضای سازمان تجارت جهانی را روشن و تقویت می‌کند و روش‌های

1. Mavroidis, P, *Trade in Goods*, Oxford University Press, 2008, p. 156.
2. Ministerial Conference, *Doha Ministerial Declaration*, adopted on 14 November 2001, WT/MIN(01)/DEC/1, dated 20 November 2001, para. 29.
3. Transparency Mechanism for Regional Trade Agreements (the RTA Transparency Mechanism).
4.General Council,Transparency Mechanism for Regional Trade Agreements,Decision Adopted on 14 December 2006,WT/L/671,Dated 18 December 2006.

www.SID.ir

Archive of SID

جدیدی را برای افزایش شفافیت موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای معرفی می‌نماید.[۱] دهمین کنفرانس وزیران در نایروبی از اعضا خواست تا در خصوص دائمی شدن آن اقدام نمایند.[۲]

اتحادیه‌های گمرکی، مناطق تجاری آزاد، موافقت‌نامه‌های موقت و موافقت‌نامه‌های بین کشورهای در حال توسعه تحت شرط توانمندسازی باید به شورای تجارت کالا اطلاع داده شوند؛ در حالی‌که موافقت‌نامه‌های یکپارچگی اقتصادی در خدمات به شورای تجارت خدمات اطلاع داده می‌شود.[۳] کمیتهٔ موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای سازمان تجارت جهانی،[۴] موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای را تحت مادهٔ ۲۴ گَت و مادهٔ ۵ گَتس بررسی می‌کند؛ در حالی‌که کمیتل تجارت و توسعه[۵] موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای را بین کشورهای در حال توسعه تحت شرط توانمندسازی و شق «الف» بند ۳ مادهٔ ۵ گَتس بررسی می‌نماید.[۶]

همان‌طورکه هیئت رسیدگی در پروندهٔ ترکیه– منسوجات (۱۹۹۹) بیان داشت، بررسی هماهنگی موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای با مقررات سازمان تجارت جهانی بسیار پیچیده است که نیاز به بررسی از دیدگاه‌های اقتصادی، حقوقی و سیاسی اعضای مختلف از جنبه‌های متعدد یک موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای می‌باشد.[۷]

نکتهٔ آخر اینکه، پیشنهاد شده بود که با توجه به وجود فرایند بازنگری کمیته در خصوص بررسی هماهنگی اتحادیه‌های گمرکی، مناطق آزاد تجاری و موافقت‌نامه‌های موقت با گَت، هیئت رسیدگی حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی (و رکن استیناف) صلاحیت تصمیم‌گیری دربارهٔ سازگاری چنین اتحادیه‌ها، مناطق یا موافقت‌نامه‌ها با گَت را ندارند.[۸] در پروندهٔ ترکیه- منسوجات (۱۹۹۹)، رکن استیناف این نظر را رد کرد.[۹]

1.Crawford,j, "A New Transparency Mechanism for Regional Trade Agreements",*Singapore Yearbook of International Law*, 11 SYBIL,2007,138.
2. Tenth WTO Ministerial Conference,Nairobi Ministerial Declaration, WT/MIN (15) DEC Dated 21 December 2015,Para.28.
۳. بند ۶ ماده ۵ گَتس.
4. The WTO Committee on Regional Trade Agreements (CRTA).
5. The Committee on Trade and Development (CTD).
6. on The Terms of Reference of the CRTA,See WT/L/127.
7. Panel Report,Turkey-Textiles (1999), Para,9.52.
8. Van den Bossche,op.cit, p.1488.
9. Appellate Body Report,Turkey-Textiles(1999),para.60.

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه‌گیری

موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی با پیش‌بینی مقرراتی، استثنائاتی را برای اتخاذ اقدامات مغایر با اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار داده است که از جملهٔ آنها استثنائات تجارت منطقه‌ای می‌باشد. به‌موجب این استثنا، اعضا مجاز به تشکیل یا الحاق به یک موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای با کشورهای دیگر می‌باشند و می‌توانند با رعایت شرایط مقرر در این زمینه اقداماتی را اتخاذ نمایند که خارج از چارچوب موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، مجاز به آن نیستند.

تجارت داخلی و خارجی بین اعضای تشکیل‌دهندهٔ موافقت‌نامهٔ تجاری منطقه‌ای می‌بایست مبتنی بر استانداردهایی باشد که بررسی گردید و تلاش شد با تکیه بر پرونده‌های طرح‌شده در هیئت رسیدگی‌ها و رکن استیناف سازمان تجارت جهانی برخی از ابهامات موجود در مقررات مادهٔ ۲۴ گَت و ماده ۵ گَتس روشن شود.

با توجه به گسترش روزافزون موافقت‌نامه‌های و بلوک‌های اقتصادی، موجودیت سازمان و اصل ملت کامله الوداد با چالش‌های زیادی روبرو شده است که در نوشتاری دیگر بدان خواهیم پرداخت.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع

Books

1. Bhagwati,J, *New Dimensions in Regional Integration*, Cambridge University Press, 1993.
2. Bhagwati,J, *Termites in the Trading System*, Oxford University Press, 2008.
3. Bilal, S, Szepesi,S, *Managing the challenges of WTO participation* : 45 case studies, Cambridge University Press,2005.
4. Cottier,T, Foltea,M, *Regional Trade Agreements and the WTO Legal System*, Oxford University Press,2006.
5. Estrella ,G,Horlick, G, *Regional Trade Agreements and the WTO Legal System*,Oxford University Press, 2006.
6. Fiorentino,R, Crawford, J, Toqueboeuf, C, *Multilateralizing Regionalism*, Cambridge University Press,2009.
7. Krugman,P, *New Dimensions in Regional Integration*, Cambridge University Press,1993.
8. Matsushita,M, *WTO and East Asia: new Perspectives*, Cameron May Ltd, 2004.
9. Mavroidis, P, *Trade in Goods*, Oxford University Press, 2008.
10. Narlikar,A, *International Trade and Developing Countries: Bargaining Coalition in the GATT and WTO*, Routledge,2003.
11. Trachtman, J, *International Trade: Regionalism*, Edward Elgar, 2007.
12. Trebilcock,M, Howse ,R, Eliason A, *The regulation of International Trade*, Fourth edition, Published by Routledge, 2013.
13. Van den Bossche,P,Zdouc,We, *The law and Policy of World Trade Organization*, Fourth Edition, Cambridge University Press, 2017.
14. Viner, J, *The Customs Union Issue*, Carnegie Endowment for International Peace,1950.

Articles

15. Bhagwati,J, "A Costly Pursuit of Free Trade ", *Financial Times*, 6 March 2001.
16. Crawford,j,"A New Transparency Mechanism for Regional Trade Agreements", *Singapore Yearbook of International Law*, 11 SYBIL,2007.

www.SID.ir

Archive of SID

17. Hafez,Z, "Weak Discipline: Gatt Article XXIV and The Emerging WTO Jurisprudence on RTAs ", *North Dakota Law Review*,79, 2003.
18. Lang,R, "Renegotiating Article XXIV-A Priority for African Engaged in North – South Trade Agreements", *African Trade Policy Center Work in Progress*,33, 2006.

WTO Cases

19. Argentina-Footwear (EC) (2000).
20. Brazil – Retreaded Tyres (2007).
21. Canada – Autos (2000).
22. Turkey – Textiles (1999).
23. US – Line Pipe (2002)
24. US-Steel Safeguards(2003)
25. Us-Wheat Gluten (2001).

Reports

26. Committee on Regional Trade Agreements, Examination of the North American Free Trade Agreement,Note on the Meeting of 24 February 1997, WT/REG4/M/4, dated 16 April 1997.
27. General Council,Transparency Mechanism for Regional Trade Agreements,Decision Adopted on 14 December 2006,WT/L/671,Dated 18 December 2006.
28. Ministerial Conference, *Doha Ministerial Declaration*, adopted on 14 November 2001, WT/MIN(01)/DEC/1, dated 20 November 2001.
29. Tenth WTO Ministerial Conference,Nairobi Ministerial Declaration, WT/MIN (15) DEC Dated 21 December 2015.
30. UNCTAD,Key Statistics and Trends in Trade Policy 2015:Preferential Trade Agreements.
31. Word Trade Report 2011.

Site

32. https://rtais.wto.org/ui/publicsummarytable.aspx.

www.SID.ir